



مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIWG 2010)

تخریب محیط زیست مانعی در برابر توسعه پایدار

علی احمدی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری^۱
دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی

دکتر علی حاجی نژاد

دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، زاهدان

E-mail: Ahmadi_2009@live.com

چکیده

امروزه تخریب محیط زیست به بحرانی جهانی تبدیل شده که روز به روز بر عمق و دامنه این بحران افزوده می شود. به این دلیل حفاظت از آن به آنچنان ارزش اخلاقی تبدیل شده است که حمایت کیفی از آن ضروری می نماید. با ملئینی شدن زندگی انسان و پیشرفت های تکنولوژیک وی، زمینه مهار بیشتر طبیعت فراهم گردید. از این پس انسان به عنوان ارباب بلامنازع طبیعت ظاهر گشت و برای دستیابی به اهداف و رفع نیازهای رو به رشد خود راه چپاول طبیعت را در پیش گرفت. در نتیجه رابطه انسان و طبیعت از یک رابطه متعادل و برابر به رابطه ای نابرابر تبدیل شد که انسان حاکم طبیعت شناخته می شد. به این ترتیب دستیابی به توسعه پایدار را با مشکل روبرو ساخت. با توجه به اینکه در راستای عدالت محیطی دستیابی به توسعه پایدار متضمن وجود چهار عامل الف) محیط ب) جمعیت و منابع، ج) اقتصاد، د) فرهنگ و جامعه می باشد، بنابراین نبود هر یک از این عوامل مانع از دستیابی به توسعه پایدار و عدالت محیطی خواهد شد. در این بین محیط زیست نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار که در حیات انسانی نقش مؤثری را ایفا می نماید به وسیله ای اساسی برای دستیابی به توسعه زود هنگام بر اساس دیدگاههای سودمحور موجود در جهان سرمایه داری تبدیل شده است. در صورتیکه روند فعلی بهره برداری و تخریب محیط زیست با تکیه بر مکاتب اصالت فایده و سرمایه داری ادامه یابد نه تنها مانع از تحقق توسعه پایدار خواهد شد بلکه آینده حیات را در زمین در معرض خطر نابودی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: محیط زیست، توسعه پایدار، عدالت محیطی، اصالت فایده

The environment destruction is obstacle for sustainable development

Ali ahmadi, master of geography and urban planning

University of Sistan and Baluchestan, geography and environmental planning college

Dr. Ali hajinejad

Assistant professor of Sistan and Baluchestan University

Abstract: Today environmental destruction has become a global crisis that day depth and scope of this crisis will be added. Because the protection it has become a moral value so that the support criminal is necessary. Machine to human life and his technological advances, nature provided the filed was more haltered. Hence the man seem as overlord of nature. To get the goals and growing needs swage the nature. As a result, the relationship between of man and nature of a balanced and equal relationship

۱- آدرس: کرستان، بانه، خیابان شاهد، کوچه یلسمن ۱۱ کدپستی ۶۶۹۱۷۶۴۱۳۸ تلفن: ۰۹۳۵۵۸۶۵۸۶۸

۲- شماره محور مقاله (۵): کارکرد های زیست محیطی و چالش آن در جهان اسلام

۳- شماره چکیده ۲۳۴

converse to the unequal relationship became known that human nature was dominant. Thus, to achieve sustainable development problems making. Considering that in order to achieve environmental justice, sustainable development involves four factors are a) environment b) population and resources , c) economic , d) culture and society. So lack each of this factors will be prevent access to sustainable development and environmental justice. Meanwhile the environment as one of the main factors in the sustainable development of human life can play effective role to has become the basic means to achieve development based on early responses in utilitarianism view in the capitalism world. If the current trend to use and environmental destruction relaying on utilitarianism schools and capitalism continue to benefit not only prevent the realization of sustainable development, but also the future of life on earth will be destroyed at risk.

Keywords: environment, sustainable development, environmental justice, utilitarianism

۱ مقدمه

آیا تا بحال هیچ گاه از خود پرسیده ایم که مواد شوینده و پاک کننده ای که مصرف می کنیم و از طریق سیستم دفع فاضلاب دفع می شوند به کجا می روند؟ یا از خود پرسیده ایم که دود اتومبیل ها ، کارخانجات و منازل به کجا می رود و چه سرانجامی دارد؟ سموم دفع آفات ، حشره کشها ، مواد خوشبو کننده مانند اسپری ها و ادکلن ، کودهای شیمیایی ، پس از مصرف چه سرانجامی پیدا می کنند و به کجا می روند؟ تمامی این مواد و مواد بشمار دیگری که مصرف می کنیم و زباله های دیگر تولیدی در خانه ها و کارخانجات و سایر مکانها که حاصل پیشرفتهای علمی و فنی امروزه هستند وارد چرخه طبیعت شده و هر کدام عامل آلوده شدن بخشی از طبیعت و در نهایت مرگ تدریجی حیات در کره زمین می باشند. پارگی لایه ازن ، آتش سوزی در جنگل ها ، بیابان زایی ، آلوده شدن آب دریاها و رودخانه ها ، تغییرات اقلیمی ، همگی مسائلی هستند که ناشی از عملکرد انسان مدرن و نقش او به عنوان عاملی مسلط بر طبیعت و محیط زیست می باشد. امروزه انسان به عنوان موجودی غالب و مسلط بر طبیعت نه تنها باعث تخریب هر چه بیشتر طبیعت شده بلکه به نوعی بیگانگی از طبیعت دچار شده که مدام او را از محیط پیرامون دورتر می سازد. در واقع رفتار انسان در محیط زیست باعث ایجاد عدم تعادل در روابط اجزای سازنده محیط شده است. زیرا محیط زیست مجموعه ای است از منابع انرژی ، مواد بی جان ، (آب ، خاک ، هوا) و موجودات جاندار ، (گیاه ، جانور ، انسان) که این سه عامل در ارتباط با یکدیگر بوده و در جهت بقای محیط زیست لازم و ملزوم یکدیگرند. اصل اول در حفاظت ، بهبود و به سازی محیط زیست ، برقراری تعادل بین عوامل تشکیل دهنده محیط زیست است. وقتی که عوامل تشکیل دهنده محیط زیست از لحاظ کمی و کیفی در شرایط مناسب باشند ، محیط زیست در حال تعادل است. هر گونه تغییر در هر کدام از عوامل باعث عدم تعادل می گردد و آنچه که موجبات عدم تعادل را فراهم می سازد ، به طور کلی در قالب تخریب یا آلودگی ظاهر شده و منشأ این تخریب یا آلودگی انسان و عملکردهای وی در محیط زیست است که امروزه به عنوان معضلات زیست محیطی روند فوق العاده ای دارد. (کیانی هفت لنگ ، ۱۳۸۴) مشکلات محیط زیست امروزه به بحران جهانی و فراگیر تبدیل شده است و چنانچه به صورت علمی و جدی برای رفع آن چاره اندیشی نشود بشر با فاجعه عظیمی مواجه خواهد شد. (حجازی و عربی ، ۱۳۸۷) این وضعیت که حاصل عواملی چند مانند استفاده مفرط از محیط طبیعی ، افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژیکی بشر می باشد، باعث شده تا در سراسر جهان محیط زیست قربانی اصلی این وضعیت باشد. برای نمونه استفاده از منابع طبیعی ، لزوماً توأم با تغییراتی در محیط زیست می باشد که خود در برگیرنده رابطه متقابل نمودهای درونی است. در بسیاری از موارد ، این تغییرات خواستنی ، ارادی و مثبت می باشد. (برای مثال ، زراعتی کردن زمینهای جنگلی ، آبیاری زمینهای خشک ، خشکاندن باتلاقها و یا ایجاد جنگلهای مصنوعی و...) اما موارد دیگر تغییراتی است ناخواسته که نتیجه آن نابودی موجودات و اغلب مضر برای زندگی انسان است. (گراسیموف و دیگران ، ۱۳۷۲) در چنین شرایطی نه تنها زندگی انسانی به خطر می افتد ، بلکه هدف او که همانا رسیدن به توسعه مداوم و پایدار می باشد با مشکل روبرو می شود. به عبارتی تخریب محیط زیست عاملی خواهد بود که مانع از دستیابی انسان به توسعه پایدار می شود. از

سویی امروزه شاهد تبلیغات وسیع دولتهای سرمایه داری غرب برای حفاظت از محیط زیست می باشیم. اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که نظام سرمایه داری و لیبرالیسم اقتصادی، خود عاملی اساسی در تخریب محیط زیست و بهره برداری بی رویه و حریصانه از منابع طبیعی بوده که غلبه دیدگاههای سود محوری و اصالت فایده بر این گونه نظامها عامل اصلی آن بوده است و هر گونه بهره برداری و استفاده ای از محیط طبیعی را در جهت دستیابی به سود بیشتر توجیه نموده اند. با این وجود هدف این نیست که دولتهای جهان سوم و از جمله دول اسلامی را از توجه به مسأله حفاظت محیط زیست باز داریم. چرا که محیط زیست در هر کجای جهان ثروتی عمومی و جهانی تلقی می شود که در زندگی انسان امروز و نسلهای آتی نقش اساسی ایفا خواهد نمود. اما وضعیت نگران کننده محیط زیست که در اثر توسعه سریع صنعتی و تکنولوژیکی انسان معاصر رخ داده باعث شده تا جهت دستیابی به توسعه پایدار و در راستای توجه هرچه بیشتر به مسائل زیست محیطی جهانی، پس از تشدید فعالیتهای آلوده کننده در دهه های ۶۰ و ۵۰ میلادی اجلاس کنفرانس زمین به ارزیابی بیست سال فعالیتهای بین المللی و ملی در زمینه های زیست محیطی پرداخته و دستاوردهای آن به صورت مجموعه هایی منتشر شده است که تحت عناوین ذیل معرفی شده اند.

۱- بیانیه ریو یا منشور زمین ۲- کنوانسیون تنوع گونه های زیستی ۳- کنوانسیون تغییرات آب و هوا ۴- اصول جنگل ۵- دستور کار ۲۱ (کیانی هفت لنگ ، ۱۳۸۴) ۶- اجلاس تغییرات اقلیمی از طرفی رویه قضایی بین المللی تصدیق دارد که جلوگیری از تخریب محیط زیست یکی از قواعد قابل توجه بین المللی عرفی است. در حال حاضر بخصوص کشورهای در حال توسعه از سازوکارهای قانونی لازم الاجرا برای مقابله با فجایع زیست محیطی فرامرزی ناشی از عملکرد خود برخوردار نیستند. (جلالی ، ۱۳۸۸) در واقع حفظ و حراست از محیط زیست به عنوان سرمایه ای جهانی لزوم استفاده از راهکارها و شیوه های مختلف را برای حفظ محیط زیست مورد تأکید قرار می دهد. اگرچه یکی از عوامل اساسی تخریب محیط زیست به مبانی ارزشی نظام اقتصادی سرمایه داری و لیبرالیسم اقتصادی ارتباط پیدا می کند. بر مبنای این نظام اقتصادی است که دستیابی به حداکثر فایده بر مبنای اصالت فایده، هدف اساسی خواهد بود و در این بین طبیعت به وسیله ای برای رسیدن به توسعه اقتصادی و بالندگی فرد تبدیل می شود. از طرفی با توجه به تخریب بیش از حد محیط زیست در جهان و بخصوص در جهان صنعتی و کشورهای پیشرفته، زندگی انسانی و طبیعی کره زمین در معرض خطر جدی قرار گرفت و همین امر و بهره برداری بیش از اندازه از منابع طبیعی، اندیشمندان و صاحب نظران را به فکر یافتن چاره ای برای برون رفت از بحران بوجود آمده انداخت. بهره برداری بی رویه به شکل استثمار محیط زیست پیرامون به سبب افزایش نیازهای جمعیت رو به رشد جهان باعث شده است تا محیطهای گوناگون اعم از شهر و روستا و محیطهای طبیعی با بحرانهای زیست محیطی روبرو شوند. افزایش آلودگی و تغییرات شگرف محیطی که حیات را در کره زمین با تهدید روبرو کرده است، باعث شده تا محافل آکادمیک، انجمن های غیر دولتی و دولتها به فکر کاهش آلودگی و حفاظت از محیط زیست بیفتند. در این بین جغرافیا هم به عنوان علمی محیطی که به محیط طبیعی و انسان ساخت در ارتباط است و هم علمی اجتماعی که با جوامع و انسانها در رابطه است به وضعیت زیست محیطی کره زمین و حیات انسانی در سکونتگاههای شهری و روستایی توجه ویژه ای دارد (احمدی، ۱۳۸۸) و در برنامه ریزیهای مختلف توسعه نقشی مؤثر را برعهده گرفته است تا مانع از کاهش توان محیط زیست در نتیجه فعالیتهای انسانی شود. این وضعیت در نهایت به پیدایش کلمه توسعه پایدار منجر شد. برای ورود توسعه پایدار به جریان اصلی بحث های سیاست جهانی، هیچ رویدادی تأثیر گذارتر از گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷)، که معمولاً با عنوان کمیته برانتلند شناخته می شود، نبوده است. این گزارش که در سطح وسیعی به صورت یک کتابچه با عنوان آینده مشترک ما منتشر شد، بیان کننده آن موضوعی است که امروز به عنوان تعریف متداول توسعه پایدار مطرح است: « توسعه ای که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای تأمین نیازهایشان برطرف نماید». (ویلر و بیتلی ، ۱۳۸۲) باید افزود که دستیابی به توسعه پایدار در گرو توجه به ارکان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی در یک جامعه است. (علیزاده،

۱۳۸۲) که محیط زیست نیز به عنوان یکی از ارکان اساسی دستیابی به توسعه پایدار نیازمند حفظ و حراست می باشد.

مقاله حاضر به بررسی وضعیت محیط زیست و تأثیر دیدگاههای سود محور و لیبرال اقتصادی بر تخریب محیط پرداخته می شود و در نهایت ارتباط محیط زیست با توسعه پایدار بررسی شده تا به نتیجه تخریب محیط زیست در توسعه پایدار دست پیدا کنیم.

۲ تأثیرات انسان بر محیط زیست

اگرچه انسانها فقط درصد بسیار کمی از بیوماس (وزن یا حجم موجودات زنده) کره زمین را تشکیل می دهند، ولی گونه غالب اند. در ابتدای دوره پلیستوسن انسان نیز همچون سایر موجودات تحت تأثیر کامل عوامل محیطی بوده است. از آن پس انسان پیشرفت کرده و به تدریج قادر شد محیط فیزیکی اطراف خود را به شدت تغییر دهد. (کیانی هفت لنگ ، ۱۳۸۴) در واقع رابطه انسان و محیط زیست با روند تکاملی انسان و تکنولوژیهای مورد استفاده او کاملاً اغییر کرده ، در حالیکه انسان در روزگاران گذشته و بخصوص انسان اولیه تحت تأثیر محیط پیرامون خود بود، امروزه این انسان است که محیط را تحت تأثیر رفتارها و کردارهای خود قرار داده است. وجود رابطه متقابل و رشد یابنده ، بین طبیعت و جامعه سازمان یافته و مجهز به وسایل فنی که بدون وقفه ، منابع ضروری و لازم را از طبیعت می گیرد و مصرف می نماید و مواد زائد ناشی از فعالیتهای حیاتی و تولیدی را به آن بر می گرداند واقعیتی غیر قابل انکار است. بررسی نظام « انسان - جامعه و محیط زیست » از نظر مبادلات دائمی و همواره شدید مواد و انرژی میان عوامل نظام ، که از تولید اجتماعی دائمی و فزاینده، ساختار همواره پیچیده تر، و استفاده از مواد اولیه از سرزمینهایی که به حال دگرگونی مستمر هستند حاصل می شود، اهمیت زیادی دارد (گراسیموف و دیگران، ۱۳۷۲) اما تأثیری که انسان بر محیط زیست می گذارد ناشی از رفتار و عمل او در محیط پیرامون خویش است. اعمالی همچون بهره برداری از منابع طبیعی، قطع درختان، خانه سازی، احداث کارخانجات و... در محیطهای طبیعی باعث تغییر چهره محیط زیست شده و می تواند در صورت ادامه این روند به صورت بی رویه در تخریب محیط مؤثر باشد. واقعیت امر این است که انسانها با توسعه علوم و تکنولوژی توانسته اند روز به روز دامنه دخالتها و تأثیرات خود را بر محیط زیست بیفزایند تا آن را در جهت دستیابی به سود و رفاه مادی بیشتر مهار کنند. گرچه فن آوری احتمالاً بحران جمعیت را به تأخیر انداخته است اما در نهایت تأثیر انسان را بر محیط زیست افزایش داده است. فن آوری نه تنها استفاده از منابع را افزایش داده است بلکه موجب شده تا در مقایسه با انسان شکارچی و جمع آورنده غذا که از ابزارهای ساده سنگی و چوب استفاده می کرد، انسان امروزی با راههای جدیدی بر محیط زیست تأثیر بگذارد (کیانی هفت لنگ، ۱۳۸۴). به تبع رشد فن آوری، سرعت تغییرات در محیط زیست نیز افزایش یافته است. این مسأله رابطه انسان را با محیط پیرامون خود تحت الشعاع قرار داده و باعث شده تا رابطه او از یک رابطه متعادل به رابطه ای سلطه آمیز تبدیل شود که افزایش جمعیت، افزایش تولید و افزایش رقابت میان تولید کنندگان نیز باعث نیاز به بهره برداری بیشتر از محیط طبیعی بوده است. در واقع فن آوریهای یکی دو قرن اخیر در رشته های مختلف دانش بشری با انواع آلاینده ها، موجب آلودگی محیط زیست (آب، هوا و خاک) و باعث تغییرات اقلیمی زمین گردیده است (قادری، ۱۳۸۳) در نتیجه بهره برداری بیشتر و تولید بیشتر مقدار آلودگی و تخریب ایجاد شده نیز توسط انسان در محیط بیشتر شده و در نهایت به مرحله ای بحرانی تبدیل شده است که در صورت عدم کنترل این روند و حفظ محیط زیست بحران پایداری چه در توسعه و چه در حیات کره زمین معنی داری بیشتری پیدا نموده و باعث خواهد شد تا واقعیتی تلخ یعنی نابودی حیات در کره زمین به دست انسان به وقوع بپیوندد. در این بین لازم است تا به مبانی ارزشی نظام سرمایه داری به عنوان یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد اثرات منفی زیست محیطی توجه نمود. از منظر دیگر قضاوتهای ارزشی که زیربنای فعالیتهای اقتصادی انسان را تشکیل می دهد، اثر مستقیمی بر چگونگی تعامل او با محیط زیست دارد، به طوری که مکاتب اخلاقی متفاوت، نتایج متفاوتی را در زمینه مسائل زیست محیطی به بار می آورد (توحیدی نیا ، ۱۳۸۳)

۳ مبانی ارزشی نظام سرمایه داری

لیبرالیسم اقتصادی مهم ترین اصل فکری و فلسفی نظام اقتصادی سرمایه داری می باشد که در آن فرد در کانون توجهات قرار گرفته و سود محوری و اصالت فرد از محوری ترین اهداف این نظام می باشد. پارادایم سود محوری بر مبنای یک اصل اساسی قرار گرفته و آن محوریت فرد و سود طلبی است. در واقع آنچه که در این پارادایم مطلوب شناخته می شود دستیابی به سود بیشتر و مهار هر چه بیشتر طبیعت است. از طرفی می توان آن را با خود محوری نیز همانند دانست. در واقع در این پارادایم، آنچه که برای فرد مفید است برای جامعه نیز سودمند می باشد. اما سود طلبی فردی بر سود جامعه و منافع آن برتری دارد. بر مبنای این بینش هسته و محور اصلی اجتماع فرد است و اوست که از وجود حقیقی برخوردار است و اجتماع فاقد وجود حقیقی است، زیرا چیزی جز مجموع تک تک افراد نیست و از این رو وجود اعتباری دارد. پس فرد و منافعش بر جامعه و مصالحش اولویت دارد. علاوه بر این چون وجود فرد به لحاظ تاریخی هم مقدم بر اجتماع است؛ بنابراین حقوق و خواسته های او، به لحاظ اخلاقی، مقدم بر خواسته های جامعه است و بدین ترتیب مبانی فردی و سودجویی شخصی جایگزین ارزشهای اخلاقی می شود (نمازی، ۱۳۷۴). از قرن هفدهم این آیین با سرمایه داری، اقتصاد آزاد و بدون دخالت دولتها همخوانی یافت. با ادامه این جریان، تا زمان ما سرمایه داری صنعتی، لیبرالیسم نو و استعمار سرزمینها از آن بهره ها گرفت و هم اکنون نیز چنین است (شکویی، ۱۳۸۲). در دو قرن اخیر، در ادبیات جغرافیایی غرب، لیبرالیسم، بیش از هر مکتب فکری و فلسفی، مطالعات و تحقیقات جغرافیایی را تحت تأثیر قرار داده است و به تبع آن، جغرافیدانان همه کشورهای جهان سوم، شاید ناخودآگاه عین این آثار جغرافیایی را به دانشگاهها و مراکز علمی خود برده اند. در جغرافیا مراد ما از لیبرالیسم، همانا لیبرالیسم کلاسیک به منزله یک فلسفه سیاسی - اقتصادی می باشد. خصیصه های این نوع لیبرالیسم عبارتند از:

الف) فرد در کانون ارزشهای لیبرالیسم قرار دارد.

ب) آزادی موهبتی که از هر چیز دیگر، خواستنی تر است. از نظر توماس هابز از بنیانگذاران لیبرالیسم در انگلیس می گوید: این امیال اند که به اعمال ما جان می بخشند و بر آنها سلطه دارند. عقل و اندیشه در رابطه با آنها، صرفاً ابزارند. عقل (برده شهوت) است. نه تنها عقل بلکه اخلاقیات نیز تابع امیال اند، هر انسانی برای نفع شخصی خود دست به هر کاری می زند. (شکویی، ۱۳۸۲)

بنابراین از منظر لیبرالیسم این فرد و منافع اوست که تعیین کننده راه و شیوه بهره برداری از محیط می باشد. سود طلبی و فردمحوری اساس نظریات لیبرالی را بنیان گذاشته است. در این بین باعث شده تا به نوعی اصالت فایده و سود محوری عامل تعیین کننده در رفتارهای انسانی باشد. بنام معتقد است: منافع فردی همانا تنها منافع واقعی است... آیا می توان تصور کرد انسانها آنقدر ابله باشند که نفع فردی ناشناخته را بر نفع خویش ترجیح دهند، یا زنده ها را عذاب دهند، به این بهانه که می خواهند زندگی آیندگان را که هنوز از مادر نزاده اند و شاید هم هرگز زاده نشوند بهبود بخشند؟ (ساندل، ۱۳۷۴). بنام از این نقطه عزیمت می کند که نیروی انگیزنده فرد جستجوی لذت و خرسندی و دوری از درد و رنج است. او جستجوی خرسندی و لذت و دوری از درد را نه تنها محرک رفتار انسان بلکه معیار اخلاق و ملاک درست و نادرست نیز به شمار می آورد. آنچه انسان را با جامعه و نظم سیاسی پیوند می زند فایده یا سودمندی جامعه در رابطه با انگیزه فوق است. در جامعه هر کس به جستجوی نفع خود مشغول است و از جستجوی نفع شخصی نفع کل جامعه به دست می آید. با این حال همان طور که فرد منافعی دارد کل نظام جامعه نیز منافعی دارد. نفع کل نظام جامعه عبارت است از بیشترین نفع بیشترین تعداد افراد جامعه (پولادی، ۱۳۸۲). لیبرالیسم اقتصادی نتایج زیر را از آزادی فردی که با عدم دخالت دولت حاصل می شود، بر می شمارد:

الف) تحقق مصالح عمومی ب) ایجاد انگیزه فردی و رشد تولید و رفاه عمومی

نتیجه طبیعی آزادی فردی، فراهم شدن زمینه رقابت است و با توجه به اینکه منافع فرد با منافع جامعه همسو فرض شده است، بنابراین آزادی فردی از طریق رقابت به تأمین منافع و مصالح عمومی منتهی شده است.

بنابراین آزادی فردی از طریق رقابت به تأمین منافع و مصالح منتهی می‌شود. به دنبال شرایط و خیم اقتصادی که در اوج حاکمیت لیبرالیسم، در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی ایجاد شد، تناقض لیبرالیسم با مکتب اصالت فایده آشکار شد. این تناقض زمانی بروز کرد که آزادی بیشتر به خوشبختی منتهی نشد و در پی آن این سؤال در اذهان شکل گرفت که در این شرایط کدام یک از دو اصل آزادی یا منفعت طلبی را باید ترجیح داد. بنتام که خود از فرد گرایی لیبرال آغاز کرده بود، هدف اصلی را رسیدن به خوشبختی یا لذت دانست. او اعتقاد داشت که آزادی تا جایی پسندیده است که وسیله ای در خدمت تحقق این هدف باشد (نمازی، ۱۳۷۴). بنابراین منفعت طلبی و اصالت فایده جایگزین آزادی و اصل لیبرالیسم شد. در نتیجه پایه رفتاری این مکتب را باید سود محوری و دستیابی به حداکثر سود دانست. به این ترتیب اعتقاد به سود محوری و لیبرالیسم اقتصادی در جهان در جهت دستیابی بیشتر به سود اقتصادی باعث شد تا طبیعت مورد هجوم بی‌امان قرار گیرد و وسایل رفاه مادی انسان را فراهم نماید. این مسأله باعث افزایش میزان تخریب محیط زیست کره زمین شد. از جمله تغییرات اقلیمی و محیطی مانند آلودگی آب و خاک و تخریب مراتع و جنگلها. زیرا بر اساس این دیدگاه طبیعت زمانی می‌تواند مفید باشد که انباشت ثروت را فراهم نماید و باعث دستیابی به سود بیشتر شود. به این خاطر است که انسان را به عنوان ارباب طبیعت درآورده و در جهت رفاه فردی نابودی طبیعت را مجاز می‌داند.

۴ بحران زیست محیطی و پارادایم توسعه پایدار

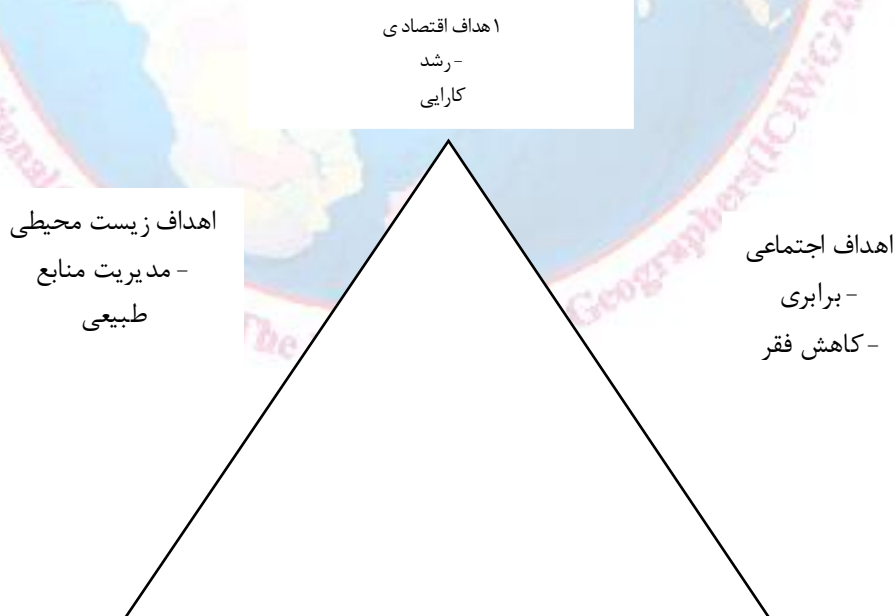
در ده سال اخیر، مفاهیم مختلفی از پارادایم توسعه پایدار شده است که بیشتر بخشهای آن را شاخه‌های مختلف جغرافیا تشکیل می‌دهد. چنان که از توسعه پایدار شهری، مفاهیمی مثل «شهر سبز»، «بوم شهر»، «شهر قابل زندگی»، «شهر چاره‌جو» و «شهر محیطی» نام می‌برند که همه این مفاهیم از بار قوی جغرافیایی خبر می‌دهند. ملاحظه می‌شود که قلمرو پارادایم توسعه پایدار، نه تنها به حفاظت از محیط زیست طبیعی و یا حیات وحش محدود نمی‌شود، بلکه مفاهیمی نظیر شهر، روستا، انرژی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیها را نیز شامل می‌گردد. در واقع همه زوایای زندگی انسان امروزی و نسلهای آینده را در بر می‌گیرد. (شکویی، ۱۳۸۲) الکن نیز در سال ۱۹۹۹ می‌گوید: توسعه پایدار فراتر از مسأله حفظ محیط زیست بوده و نیاز به برابری را در بر می‌گیرد، برابری در یک نسل جهت تأمین نیازهای اقلیت ضعیف جامعه و برابری بین نسلی جهت تأمین نیازهای نسل آینده (برتون، ۱۳۸۳). برای ورود توسعه پایدار به جریان اصلی بحث‌های سیاست جهانی، هیچ رویدادی تأثیر گذارتر از گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷)، که معمولاً با عنوان کمیته برانتلند شناخته می‌شود، نبوده است. این گزارش که در سطح وسیعی بصورت یک کتابچه با عنوان «آینده مشترک ما» منتشر شد، بیان‌کننده آن موضوعی است که امروز به عنوان تعریف متداول توسعه پایدار مطرح است: توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسلهای آینده برای تأمین نیازهایشان برطرف نماید. (ویلر و بیتلی، ۱۳۸۴) این تعریف مفاهیمی چون برابری نسلی و عدالت اجتماعی و به همان نسبت آگاهی زیست محیطی را در بر می‌گیرد. همچنین دلالت بر آن دارد که وجود یک چارچوب جهانی ضروری بوده و تأثیرات فرامحدوده‌ای نیز باید در نظر گرفته شود (ویلیامز و دیگران، ۱۳۸۳). افزودن پسوند «پایدار» به «توسعه» به علت گستردگی آثار جانبی طرحهای توسعه در درمان جامعه و همچنین آثار فراملی و جهانی آنهاست، توجه به مسائل زیست محیطی که عمدتاً ابعاد زیست محیطی را شامل می‌گردد، پس از توسعه صنعتی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی در اروپا و آثار ناهنجار زیست محیطی آنها بوجود آمد (کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۴). در مجموع امروز توسعه پایدار به منزله هدفی برای یک دنیای تحت فشار و دارای مشکلات رو به تزاید بحساب می‌آید که پیش‌زمینه و مقوله آن، توسعه زیست بوم است. این دیدگاه توسعه زیست بوم را در سطح محلی یا منطقه‌ای توأم با تواناییهای بالقوه آن فضا و با توجه و تأکید بر بهره‌برداری عقلانی از منابع، کاربرد تکنولوژی و سازمان به گونه‌ای که طبیعت و انسان را مورد توجه قرار دهد، تعریف می‌کند (علیزاده، ۱۳۸۲) از طرفی در توسعه پایدار به مفهوم عدالت محیطی نیز باید توجه نمود. دیدگاه عدالت محیطی، تعادل در

کاربری زمین و بهره برداری از منابع را در راستای پایداری کره زمین، برای زندگی مطلوب انسانها و سایر موجودات توصیه می کند و شاخص های توسعه پایدار را در چهار حوزه اصلی معتبر می شناسد:

الف) محیط (ب) جمعیت و منابع (ج) فرهنگ و جامعه (د) اقتصاد. همچنین عدالت محیطی به تعادل های بوم شناسانه در شهر و روستا به ویژه در محیط طبیعی در جلوگیری از آلودگی زمین، هوا و آب ها تأکید می کند و با مصرف بی رویه منابع و بهره برداری بیش از حد منابع مخالف است (شکویی، ۱۳۸۲).



شکل شماره ۱: اهداف توسعه پایدار محیطی



شکل شماره ۲: دیدگاه اقتصاد دانان در مورد توسعه پایدار محیطی

Source: David Drakakis smith, Third world cities: sustainable urban development, urban studies, vol.145,1995(639-677)

بنابراین براساس نمودارهای ۱ و ۲، باید اینگونه عنوان کرد که توسعه پایدار مجموعه ای از مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در بر می گیرد و بدون هرکدام از آنها این نوع از توسعه بدست محقق نخواهد شد. بنابراین توسعه پایدار یعنی ایجاد فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که تضمین کننده کیفیت مطلوب زیستی باشد و بتواند مسائل یاد شده به صورت پایدار و ماندگار حفظ کند (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷)

۵ تخریب محیط زیست عامل ناپایداری توسعه

سالهاست که دانشمندان محیط زیست و بوم شناسان افزایش فعالیتهای اقتصادی را عامل مهم تخلیه و نابودی منابع طبیعی معرفی کرده اند و نشان داده اند که با افزایش فعالیتهای اقتصادی، پایداری و انعطاف پذیری اکوسیستمها در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بنابراین فعالیتهای اقتصادی و به تبع آن، رشد و توسعه اقتصادی به وسیله ظرفیتهای محیط زیست طبیعی محدود می شود (توحیدی نیا، ۱۳۸۳). این وضعیت را در کاهش توان محیط طبیعی برای جوابگویی به نیازهای انسان باسد جستجو نمود که این امر نیز خود ناشی از بهره برداری بیش از حد محیط می باشد. با توجه به افزایش میزان فعالیتهای اقتصادی بشر در محیط زیست طبیعی و کاهش توان محیط به برآورده ساختن این نیازها و در واقع محدود بودن توان پاسخگویی محیط زیست برای تأمین خواسته های رو به تزاید بشر مفهوم توسعه پایدار وارد ادبیات توسعه می شود. این مفهوم اولاً ضرورت نوعی بازنگری در تمام مفاهیم و روشهای پیشین توسعه را مطرح ساخته است و ثانیاً، نشان می دهد که تأمین توسعه پایدار، به همکاری تمام ملل و مردم جهان در چارچوب نهادهای ملی و بین المللی نیاز دارد. در دهه ۱۹۷۰ به کمک متفکران و دانشمندان علوم مختلف رشته جدیدی از اخلاق به عنوان اخلاق زیست محیطی پایه گذاری شد که فراتر از موضوع اخلاق سنتی به تنظیم روابط میان انسانها و محیط زندگی نظر دارد. این اخلاق بر این آموزه استوار است که زمین فقط یک منبع اقتصادی برای بهره کشی نیست بلکه موهبت و نعمتی است که در خور احترام و عشق است. آدامز^۲ در از توسعه پایدار از آن به عنوان توسعه سبز یاد و سیاست سبز یاد می کند و ضمن توصیف روند تکاملی و تاریخی این مقوله در اروپا، آن را برای تداوم نسل بشری و نسلهای آتی ضروری می داند و از حفاظت طبیعی به عنوان پایه های توسعه آتی یاد می کند (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷) ژان تریکار^۳ می گوید که انسان به عنوان یک موجود زنده، جزئی از اکوسیستم است و فعالیتهای حیاتی او مانند سایر حیوانات در بطن این اکوسیستم جریان دارد. از آنجا که انسان قادر به فتوسنتز نیست باید تدابیری در زمینه تغذیه خود بیندیشد و برخی از این تدابیر نابخردانه است که به تخریب محیط زیست می انجامد (تریکارو دیگران، ۱۳۷۱) در کشورهای جهان سوم، مفهوم توسعه پایدار به طور فعال باید فقر، بیکاری و کم کاری را از بین ببرد؛ از این رو وظیفه توسعه پایدار در این کشورها فراتر از مفهوم آن در کشورهای توسعه یافته است (Ray, 1993). بنابراین هدف از ایجاد چنین توسعه ای را می توان اینگونه بیان کرد: ایجاد محیطی که در آن همه مردم بتوانند ظرفیتهای و تواناییهای خود را بسط دهند و نیز بتوانند فرصتهایی را برای نسلهای کنونی و آینده ایجاد کنند. پس ابزارهای واقعی این نوع توسعه خود مردمند که از طریق ذیل قابل حصول است:

الف) اصل برابری بین نسلی و میان نسلی

ب) در نظر گرفتن افقهای زمانی طولانی تر در برنامه ریزیها

ج) درک ارزش محیط زیست (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷)

² - Adams

³ - Jean L.F. Tricart

برای دستیابی به عدالت محیطی و توسعه پایدار لازم است تا مانع از تخریب بی رویه محیط زیست شد و به این شکل مانع از ناپایداری حیات در کره زمین شد. در واقع با توجه به اینکه محیط زیست یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و عدالت محیطی می باشد در صورتی که تخریب شده و به صورت بی رویه از سوی انسان مورد بهره برداری قرار گیرد مانع از تحقق توسعه پایدار خواهد شد. به عبارت بهتر محیط طبیعی اساس و پایه لازم برای موجودیت انسان است و انرژی و ماده ئی را که لازمه تداوم زندگی و ادامه حیات و توسعه بشر در تمامی مراحل تاریخ بوده تأمین نموده است (گراسیموف و دیگران، ۱۳۷۴). خوشبختانه امروزه افکار عمومی نسبت به مسائل زیست محیطی تا حدودی تغییر پیدا کرده است که می تواند نقطه شروع مناسبی برای جنبش های زیست محیطی محسوب شود (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷) تا جایی که بونفو می گوید مردم جهان به طور روزافزون از خطرات ناشی از تخریب محیط زیست آگاهی می یابند. این مسأله که تا مدتی تنها مورد توجه کارشناسان بود، بسرعت توجه عمومی را به خود جلب کرده و حتی به صورت موضوعی برای جلب آرای مردم در مبارزات انتخاباتی درآمده است (بونفو، ۱۳۷۵). از طرفی نیز جنبشهای محیط زیستی و زیست بوم گرایی در سطح جهان بوجود آمده ، زیرا عده زیادی معتقد بودند که امکانات رشد و توسعه در روی زمین محدود است و با ادامه روندهای جاری ، موجودیت زمین و انسان در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. انتشار گزارش باشگاه رم در سال ۱۹۷۵ یک هشدار جهانی بود که به پنج روند مخاطره آمیز اشاره داشت:

- صنعتی شدن شتابان

- رشد سریع جمعیت

- سوء تغذیه گسترده

- از بین رفتن منابع تجدید ناپذیر طبیعت

- تباهی محیط زیست (مهدیزاده، ۱۳۸۵)

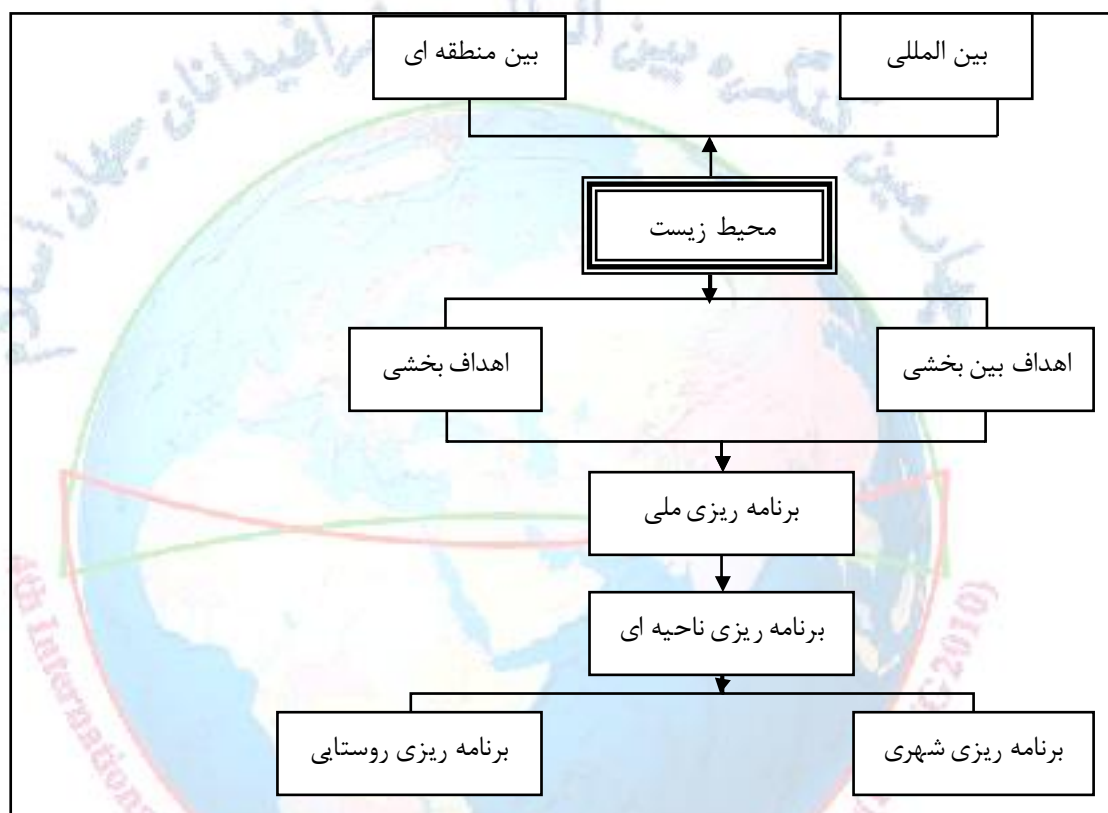
که آخرین اجلاس از این دست نیز در دسامبر ۲۰۰۹ در کنپنهاگ دانمارک برگزار شد که هدف از آن اخذ توافق جهانی بر سر کاهش میزان آلاینده ها و گازهای گلخانه ای و جایگزینی سوختهای غیر فسیلی و انرژی های پاک و جلوگیری از روند رو به رشد افزایش دمای هوای کره زمین بود.

اصل پایداری بر دو قسم است: الف. اصل پایداری ضعیف، بر طبق این اصل شرط لازم و کافی برای توسعه اقتصادی پایدار، حفظ میزان سرمایه کل است و بنابراین رشد اقتصادی به شرطی می تواند ادامه یابد که در صورت ادامه از منابع طبیعی چون سوختهای فسیلی، انواع دیگر سرمایه تشکیلی و جایگزین آن شود تا مجموع سرمایه کل برای استفاده آیندگان کاهش نیابد (ترنرو دیگران، ۱۳۷۴).

ب. اصل پایداری قوی: بر اساس این اصل میزان سرمایه طبیعی باید در طول زمان ثابت باشد و کل سرمایه های دیگر نیز ثابت بماند زیرا احتمال جایگزین شدن انواع دیگر سرمایه به جای سرمایه های طبیعی مثل لایه ازن وجود ندارد و به عبارت دیگر، در فرایند توسعه پایدار، سرمایه های طبیعی و سایر سرمایه ها به عنوان مکمل یکدیگر مطرح می شوند و نه به عنوان جانشین یکدیگر (ترنرو دیگران، ۱۳۷۴).

بنابراین بر اساس این تقسیم بندی شرط لازم و کافی برای توسعه حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن است. که در چند دهه اخیر تخریب بخش های گوناگون محیط زیست موجی از نگرانی را در مورد عدم ادامه روند توسعه و همچنین آینده حیات در کره زمین بوجود آورده است. بنابراین به دلیل حساسیت موضوع، لازم است تا دولتها و مردم و سازمانهای دولتی و غیر دولتی به فکر کاهش فشارهای وارده بر محیط زیست و حفاظت از آن برآیند. اما برنامه های حفاظتی وقتی می تواند به نحوی ریشه ای بر مشکلات زیست محیط فایق آید، که از بروز مسائل آینده پیشگیری کند و به عنوان نیروی محرکه توسعه ملی، عملکردی موفقیت آمیز داشته باشد و در سطوح مختلف برنامه ریزی از بدو شروع کار، فعالانه در جریان فرایند توسعه قرار بگیرد. این امر مهم

وقتی عملی خواهد بود که حفاظت از محیط زیست در سیستم برنامه ریزی جایگاه مناسب خود را پیدا کرده باشد. در این رابطه حساسترین مرحله تعیین جایگاه و نحوه عملکرد حفاظت محیط زیست در برنامه ریزی ملی است. بویژه در شرایط فعلی با توجه به اوضاع جهانی محیط زیست دولتها دیگر نمی توانند بدون توجه به اجبارهای بین المللی، منطقه ای و ملی حفاظت محیط زیست، در مورد برخی از اشکال استفاده از فضا تصمیم گیری کنند (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱). شکل شماره ۳، جایگاه حفاظت از محیط زیست و برنامه ریزی ملی ناحیه ای را در فرایند نظام برنامه ریزی نشان می دهد.

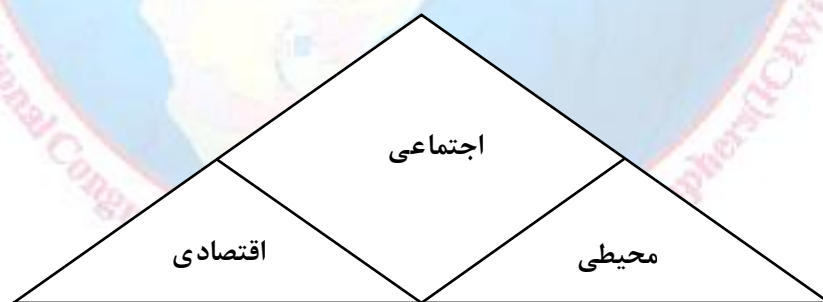


شکل

شماره ۳: جایگاه حفاظت از محیط زیست و برنامه ریزی در فرایند نظام برنامه ریزی. منبع: بهرام سلطانی، ۱۳۷۱

در مجموع امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به برنامه های حفاظت از محیط زیست احساس می شود. انواع مختلف آلودگیهایی که گریبانگیر جوامع کنونی بشر است، دلیلی بر این مدعاست (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷) که این امر نیز برخاسته از روح نظام سرمایه داری و لیبرالیسم اقتصادی و سودمحوری نهفته در آن می باشد. پیامدهای جغرافیایی چنین جریانی را می توان در آفرینش های جغرافیایی جدید مانند ایجاد کشتزارها و تخریب جنگلها، قطع درختان و تبدیل نواحی طبیعی به سکونتگاههای انسانی مشاهده نمود. در چنین شرایطی، بالا گرفتن گرایشهای هوادار حفظ محیط زیست و گسترش و گسترش فعالیت گروه «سبزها» واکنشی بوده مخالفت آمیز در قبال این ساختگی کردن شئون زندگی انسان. آیا فعالیتهای نو، در امر استقرار خود در فضای جغرافیایی از موازینی معین پیروی می کند یا آن را به اصطلاح با «چتر نجات» در هر مکانی ممکن است فرود آورد؟ در هر دو حال این زمینه ای از کار جغرافیاست (دروثو، ۱۳۷۴) به هر روی نبود ملاحظات زیست محیطی، اقتصاد آزاد و رقابتی و سودجویی اصالت فایده به عنوان اهداف اساسی نظام سرمایه داری، باعث شده هر چه

بیشتر مکانهای طبیعی تحت تأثیر این اعمال قرار گرفته و تغییر یابند. این امر است که دست یابی به توسعه پایدار را مشکل ساخته و در صورت عدم چاره اندیشی مانع از تحقق عدالت محیطی، اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان خواهد شد. زیرا در سطوح مختلف جغرافیایی دست یابی به توسعه پایدار مستلزم بکارگیری تمام توانهای زیست محیطی ناحیه در جهت بهره وری منطقی از منابع طبیعی است و در کلیه برنامه های توسعه ملی و ناحیه ای باید تمامی جوانب توسعه از نظر مسائل زیست محیطی در نظر گرفته شود. می توان اینگونه نیز بیان کرد که دست یابی به توسعه پایدار مستلزم درک صحیح روابط زیست محیطی جاری در یک ناحیه یا منطقه جغرافیایی است و به عبارت دیگر باید دانست که مابین فعالیتهای اکولوژیکی در یک ناحیه از یک طرف و شرایط خاص آن ناحیه از طرف دیگر چه ارتباطی می تواند وجود داشته باشد. هوک⁴ نیز در اجرای طرحهای عمرانی و توسعه پایدار گزینه ای را ارائه می کند که از طریق سازش با محیط و اصلاح آن میان عوامل محلی نقش مهمی ایفا می کند (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷). در این زمینه تهیه و تدوین برنامه ریزیهای محیطی ضروری به نظر می رسد، یعنی ارائه چارچوبی درباره چگونگی ارتباط انسان با محیط طبیعی، شناخت محیط و انطباق برنامه ها با کنش های طبیعت، به طوری که تقابل عملکردهای بشری با کنش های محیطی به حداقل خود برسد تا از امتیازات محیط بهره مند شود (رامشت، ۱۳۷۵) می توان اینگونه بیان کرد که تمام گفته ها و نوشته های اندیشمندان و پژوهشگران حوزه های مختلف علوم، توجه به نقش ارزنده محیط زیست در ارتقاء کمی و کیفی زندگی انسان است. اما در صورت بی توجهی به عواقب و خیم تخریب محیط و بهره برداری بی رویه و حساب نشده از محیط طبیعی که دارای توانی محدود می باشد، دستیابی به توسعه پایدار امری غیرممکن خواهد بود. بنابراین ارتباط محیط زیست با توسعه پایدار، ارتباطی متقابل و دو سویه می باشد و محیط زیست به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار می تواند عاملی برای دست یابی به توسعه پایدار یا نرسیدن به آن باشد. از طرفی توسعه پایدار نیز می تواند مانع از تخریب محیط زیست شود. بنابراین بازنگری در مبانی اقتصادی نظام سرمایه داری لازم و ضروری می باشد زیرا ثابت شده است که تنها دست یابی به سود و اصالت فایده ضامن بقاء و تداوم حیات نخواهد بود و داشتن نگرش زیست محیطی در تمامی برنامه های توسعه ضروری است. در شکل شماره ۴ اجزای پایداری نشان داده شده است. با توجه به این شکل زمانی می توان به توسعه پایدار دست یافت که تعادل در رابطه میان این اجزاء وجود داشته باشد.



شکل شماره: ۴ اجزای سازنده پایداری

Source: Sustainable urban development, p.23

۶ نتیجه گیری

حال که ارتباط بین محیط زیست، نظام اقتصادی سرمایه داری و توسعه پایدار مشخص شد می توان به این سؤال پاسخ داد که آیا نظام ارزشی اقتصاد سرمایه داری و بخصوص مطلوبیت گرایی چه تأثیری بر محیط زیست می گذارد؟ می توان گفت که مکتب اصالت فایده که از مبانی ارزشی نظام اقتصادی سرمایه داری است

⁴ - Hooke

یک نظریه فرجام شناختی^۵ یا نتیجه گراست که مطلوبیت اجتماعی را اصل و مینا قرار می دهد و سپس حقوق انسانی را با بکارگیری فرایند حداکثر سازی مطلوبیت اجتماعی، استنتاج می کند. به عبارت دیگر در این مکتب آن حقی به رسمیت شناخته می شود که مطلوبیت اجتماعی را افزایش دهد و حداکثر کند. با توجه به بررسی مبانی فکری و فلسفی این مکتب و همچنین لیبرالیسم اقتصادی و سود محوری، می توان اینطور نتیجه گیری کرد که در این مکتب، ملاحظه منافع و مصالح نسلهای آینده نمی تواند محلی از اعراب داشته باشد؛ زیرا این امر مستلزم اعمال محدودیت در بهره برداری نسل فعلی از منابع طبیعی و محیط زیست است که نتیجه ای جز کاهش مطلوبیت و رفاه اجتماعی نخواهد داشت و بنابراین قابل پیش بینی است که کیفیت فعلی رشد و توسعه اقتصادی به پایداری منتهی نخواهد شد.

در چنین شرایطی وضعیتی است که برنامه ریزی برای توسعه و عمران شهری و منطقه ای، بیش از پیش به برنامه ریزی فضایی و برنامه ریزی محیطی نزدیک شده و از نظریه ها و الگوهای پیشین فاصله گرفته است. در همین راستا باید به ضرورت استفاده از روشهای ارزیابی زیست محیطی و مراقبت زیست محیطی در برنامه ریزی اشاره کرد که از طریق برنامه سازمان ملل متحد با عنوان ارزیابی آثار زیست محیطی توسعه یا E.I.A^۶ به منظور جلوگیری از آثار منفی توسعه بر محیط زیست، زیست بوم، سلامتی و بهداشت عمومی جامعه، ابداع و اجرای آن در سراسر جهان توصیه شده است (مهدیزاده، ۱۳۸۵). زیرا بی توجهی به آثار زیست محیطی طرحهای توسعه می تواند باعث تخریب محیط زیست شده و پایداری توسعه را با مشکل روبرو سازد و یا مانع از تحقق توسعه پایدار شود. به هر صورت با توجه به بحثهای گفته شده عواملی مانند، لیبرالیسم اقتصادی در غرب، سود محوری و رقابت های اقتصادی و در نهایت اصالت فایده و در یک معنا نظام اقتصادی سرمایه داری در تضاد جدی با اصول زیست محیطی توسعه و حفاظت محیط زیست می باشد که هم اینک بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز از این نظام اقتصادی در جهت دستیابی به رشد سریع اقتصادی از این نظام اقتصادی پیروی می کنند. در پایان پیشنهادهایی برای کاهش آثار منفی تخریب محیط زیست و یا جلوگیری از تخریب محیط زیست داده می شود، امید است دولتها بیشتر از قبل به عواقب وخیم تخریب محیط زیست بیندیشند و سعادت انسان را در بهره برداری حریصانه از طبیعت پی گیری نکنند.

پیشنهادهای

- استفاده از تکنولوژیهای زیستی برای برآورده ساختن نیازهای فعلی و آتی
- استفاده از انرژیهای پاک مانند انرژی بادی، آبی و خورشیدی به جای انرژیهای فسیلی که عامل اساسی در افزایش میزان آلودگی کره زمین و افزایش دما می باشند.
- همکاری دولتها در جهت کاهش صدمات محیطی و مبارزه با آلودگیهای محیطی در سطح منطقه ای و جهانی
- استفاده از شیوه های مختلف بازیافت زباله به منظور ممانعت از پخش شدن در محیط زیست
- استفاده از روشهای ارزیابی زیست محیطی قبل از اجرای پروژه ها و برنامه های مختلف در نواحی مختلف به منظور ارزیابی آثار زیست محیطی پروژه ها و به حداقل رساندن آثار زیانبار محیطی آنها
- حفاظت از محیط زیست در ارتباط با بهره برداری از منابع طبیعی غیرقابل تجدید پذیر
- حفاظت محیط زیست در ارتباط با منابع تجدید پذیر مانند جنگل ها، مراتع و خاک
- کمک به جوامع فقیر و تنوع بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی آنها در جهت کاهش بهره برداری بیش از حد از منابع طبیعی

⁵ - Teleological

⁶ - Environmental Impact Assessment

۷ مراجع

- ۱- احمدی، علی (۱۳۸۸)؛ حمل و نقل و پایداری شهری، دومین همایش ملی علوم جغرافیایی، دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی، ارومیه، ۱۶ و ۱۵ مهرماه ۱۳۸۸
- ۲- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱)؛ مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی: محیط زیست، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۳- بونفو، ادوارد (۱۳۷۵)؛ آشتی انسان و طبیعت، ترجمه صلاح الدین محلاتی، تهران، نشر دانشگاهی
- ۴- پولادی، کمال (۱۳۸۲)؛ تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از ماکیاولی تا مارکس، تهران، نشر مرکز
- ۵- ترنر، کری؛ پیرس، دیوید؛ باتمن، آیان (۱۳۷۴)؛ اقتصاد محیط زیست، ترجمه سیاوش دهقانپان، عوض کوچکی، علی کلاهی اهری، مشهد انتشارات دانشگاه فردوسی
- ۶- تریکار، ژان؛ پل بلیسه و دیگران (۱۳۷۱)؛ مسائل توسعه روستایی: (مجموع مقالات)؛ ترجمه اوالحسن سروقدمقدم مشهد آستان قدس رضوی
- ۷- توحیدی نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۳)؛ اخلاق، اقتصاد و محیط زیست، مجله جستارهای اقتصادی، ۱ (۲) صص ۱۷۶-۱۵۷
- ۸- جلالی، محمود (۱۳۸۸)؛ تأسیس دادگاه بین المللی محیط زیست و مشکلات آن، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۶۳-۸۵
- ۹- حجازی، یوسف؛ عربی، فائزه (۱۳۸۷)؛ عوامل مؤثر در جلب مشارکت سازمانهای غیر دولتی در حفاظت محیط زیست مجله محیط شناسی، سال سی و چهارم، شماره ۴۷، صص ۱۰۶-۹۹
- ۱۰- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۷)؛ برنامه ریزی ناحیه ای، تهران، انتشارات سمت
- ۱۱- دروئو، ماکس (۱۳۷۴)؛ جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، انتشارات رایزن
- ۱۲- رامشت، محمد حسین (۱۳۷۵)؛ کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی ملی، منطقه ای و اقتصادی، اصفهان، دانشگاه اصفهان
- ۱۳- ساندل، مایکل (۱۳۷۴)؛ لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۴- شکوئی، حسین (۱۳۸۲)؛ اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، تهران، انتشارات گیتا شناسی
- ۱۵- علیزاده کتایون (۱۳۸۲)؛ اثرات حضور گردشگران بر منابع زیست محیطی (بخش شرق در شهر مشهد)، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۴، سال ۳۵
- ۱۶- قادری، عباسعلی (۱۳۸۳)؛ بررسی نقش گیاهان در پالایش طبیعی آبهای آلوده شهری، مورد؛ پالایش آبهای آلوده شهری تهران با نیاز مصنوعی، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا و توسعه، زاهدان، سال دوم، شماره پیاپی، ۳ صص ۱۲۰-۱۰۷
- ۱۷- کاتی، ویلیامز، برتون، الیزابت و مایک جنکز (۱۳۸۳)؛ دستیابی به شکل پایدار شهری، ترجمه، وراز مرادی مسیحی، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- ۱۸- کیانی هفت لنگ، کیانوش (۱۳۸۴)؛ اکولوژی انسانی، تهران، انتشارات پانید
- ۱۹- گراسیموف، ای و دیگران (۱۳۷۲)؛ انسان، جامعه و محیط زیست، ترجمه صلاح الدین محلاتی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۰- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵)؛ برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی

- ۲۱- نمازی، حسین (۱۳۷۴)؛ نظامهای اقتصادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۲- ویلر.اس.ام و بیتلی.تی (۱۳۸۴)؛ نوشتارهایی در باره توسعه پایدار شهری، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی
- 23- David Drakakis smith,(1995), Third world cities: sustainable urban development, *urban studies*, vol.45, (639-677)
- 24- Ray, sunil;(1993) sustainable development through the development of the non-farm sector, *z magazine*; September
- 25- Sustainable urban development,(2000),Guidelines for Sustainable Urban Development, February

